

داخلی مدتها بود که مردم منتظر بودند مجلس ترتیبی برای آن معین نماید و حالا که راپورت آن داده شده است استدعا میشود جزء دستور روز سه شنبه منظور شود .

رئیس - این جلسه در خصوص آن مذاکره میشود **منتصر السلطان** - راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بجنوب را اگر صلاح است جزء دستور روز سه شنبه قرار دهند .

رئیس - اینها بیکه گفته شد مکرر در دستور منظور شده است .

**حاجی فاتح الملک** - تکلیف فردارامین بفرمائید که جلسه خصوصی تشکیل می شود یاخیر  
رئیس - تشکیل می شود

**حاجی آقای شیرازی** - امروز يك اعلان در ایران نو بود در خصوص قانون روزه که از مجلس گذشت باسم حاجی وکیل الرعایا جماعتی در این خصوص به بنده ایراد کردند که قانونی که از مجلس می گذرد باید از طرف وزیر اعلان شود اعلان کردن وکیل معنی ندارد واقعا ایراد صحیح بود بنده خواستم خواهش کنم از همه آقایان که در اینگونه اموری که دست دیگران می افتد مداخله نکنند اگر چه میدانم در مقام خیر خواهی و بجهت صرف اطلاع بوده است ولی باید ملتفت باشند که مردم درصدد هستند بر این قسم کار ها ایراد میکنند وکیل الرعایا در جواب آقای حاجی آقا شرح مبسوطی اظهار داشتند چون راجع بامورات شخصی ایشان بود درین نطق معزی الیه آقای رئیس اظهار داشت در مجلس مذاکره شخصی نمیشود کرد و از مقام خودشان حرکت نمودند .

(مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۹۰**

**صورت مشروح روز سه شنبه ۲۹**

**شهر ربيع الثاني**

مجلس مقارن غروب در تحت ریاست آقای مستشارالدوله تشکیل شد .

رئیس - در میان عظمتها و حوادث و واقعه دنیا پاره عظمتها هست که جلالت انسانی هر قدر باشد در مقابل آن متزلزل میشود چون بدبختانه هر قدر هراضی عرض کنم راجع بیک وقعه ناگواری خواهد بود که آن مرک است لهذا خواهش میکنم از آقایان محترم که هراضی بنده را در حال قیام اصفا فرمایند ( عموم حضار قیام نمودند )

رئیس - اعلیحضرت ادوارد هفتم پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان جهان فانی را در هفتم ماه ( مه ) بدرود گفته اند . این وقعه اسف انگیز در همه روی زمین و ملل عالم موجب يك تأسف عمومی شده است . و در میان چنین مصیبتها نباید فقط رعایت این را کرد که يك سلطان عظیم الشانی از دنیا رفته است برای اینکه خیلی از تاجداران که صاحب جاه بلند بوده اند از دنیا رفته اند و خواهند آمد ولی اینکه اغلب مجبور می کنند که در موارد بعضی دون بعضی تاثرات بیشتر میشود این است که صفات و خصایل پسندیده این پادشاه را وقتی که میگذاریم بهلوی سلطنت می بینیم تاثر آن

عالم گیر میشود - صفات و خصایل سقوده این پادشاه بقدری معلوم و مسلم است که بنده نمیخواهم در اینجا چیزی عرض کنم - برای اینکه اگر چیزی را در اینجا عرض کنم شاید از شدت نقصان آن اثری را که میخواهد بیخشد نه بخشد - همینقدر در اینجا عرض میکنم که این پادشاه فی جاه علاوه بر آن مقامات چنان مسلم و معروف بوده است و در مجامع عالیه اخلاقیه که در ارتقاء انسان بمدارج عالیه شرافت و سعادت همیشه دخالت دارد ریاست کلیه داشته است این مطلب معلوم است که در میان تمام ملت ایران و محافل عالیه دولت موجب چقدر تحسیر و تأسف گردیده است علاوه بر آن مناسبات مستحده و قدیمه که در میان دولت و ملت ایران و دولت و ملت انگلستان است اخیراً هم میدانیم و هر گز فراموش نخواهیم کرد که ملت نجیبه انگلستان در تحت ریاست این پادشاه ذیجاء چقدر با اساس حریت ایران این پادشاه در حفظ صلح عمومی بقدری خدمت کرده اند که البته صفحه تاریخ آن خدمات را ضبط کرده است - پس در مقابل اهمیت و عظمت این فقدان بزرگ که امروز باین ملت نجیب انگلیس رو کرده است که اثرات خودش را در تمام عالم بخشیده است ملت ایران هم از صمیم قلب اشتراک میکند در اینصورت گمان میکنم مجلس مقدس هم باینده شرکت بکنند که تاثرات قلبی خودمان را بیازمان انگلیس بنویسیم تا معلوم باشد که ملت ایران در این مصیبت و سوگواری وارده با ملت نجیب انگلیس شریک و سهیم است .

(عموم نمایندگان محترم تصدیق کردند)  
(در این موقع رئیس تشریف برده و آقای حاج سید نصر الله بمقام ریاست جلوس نمودند)

**آقای معاضد الملک** - صورت جلسه روز شنبه (۲۶) راقرائت کردند .

**نایب رئیس** - در صورت مجلس اگر ملاحظه است بفرمائید .

( اظهاری نشد نایب رئیس صورت را امضاء کرد )

**میرزا مرتضی قلیخان** - تلگرافی است که از آقای افتخار الواعظین رسیده است قرائت می شود (قرائت نمود که بواسطه ناشوشی کسانم حرکت غیر ممکن عاجزانه استدعا میکنم که ده روز دیگر اجازه مرخصی داده شود و الا مجبورم با تحمل زحمت خود تنها حرکت نمایم )

**نایب رئیس** - در این استدعای آقای افتخار الواعظین مغالطی هست؟ (گفتند خیر) راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بتقاضای ربیع زاده امتیاز کارخانه صابون سازی و عطریات را از وزیر فوائد عامه قرائت شد کمیسیون اساساً این امتیاز را تصویب و در بعضی مواد آن اصلاحات کرده و بعضی مواد را نودوده بود . صورت اصل امتیازنامه نیز قرائت گردید

**نایب رئیس** - عجالاً در کلیات صحبت میشود **میرزا اسدالله خان** - بنده عرض کردم که در موارد صنعت هائیکه در ایران معمول است و همه کس ممکن است با يك جزئی سرمایه اقدام نماید نمیدانم این چه اصراری است که ماداریم که انحصار بدهیم و رفته رفته میخواهیم حرکت انسانرا هم انحصار بدهیم بیک کمپانی که دوم را پیشنهاد زیر چوب و بگوید تو باید مطابق میل من حرکت بکنی والا

حرکت نکن بنده میگویم در تمام دنیا ما دیده ایم که وقتی رقابتی در کار نباشد که آن مال التجاره را رواج بدهد و مواد بهتری در آن بکار برود هرگز آن مال التجاره را رواج پیدا نمی کند و اینکه ما انحصار این صنعت را باین شخص بدهیم که هر طور میلش باشد درست کرده ب مردم بدهد و مردم هم مجبور باشند که از او بخرند در صورتیکه معلوم نیست این شخص بیا چقدر خواهد داد و اگر هم بدهد يك قدر قلیلی است که عبرت از دو بیست و پنجاه تومان خواهد بود آنهم باین صورت جان گدازی که برای دوازده سال است که بمداز دوازده سال آنها بگویند اینکارخانه را ما افتتاح کرده ایم و از سرمایه خودمان است بنده که این مواد را قابل توجه نمیدانم و از مخبر محترم کمیسیون سؤال میکنم که نظریات کمیسیون را در اینباب بفرمایند که کمیسیون از اظهار این رای چه مقصودی خواهد داشت و در قابل ضرری که از دست خودمان میخواهیم بمملکت وارد بیاوریم هابدی دولت در اینکار چه خواهد بود در صورتیکه میدانیم آن قانونیکه آقای مؤمن الملک در خصوص شرکت ها پیشنهاد کرده اند اگر از مجلس بگذرد سرمایه های خیلی بزرگ برای این مملکت حاصل خواهد شد و امروز ما می بینیم يك کمپانی بنام اینک که میخواهد يك خدمتی بملت بکند ترفی يك صنعتی را میخواهد از بین ببرد .

**منتصر السلطان** - در خصوص انحصار هلت

اینکه در کمیسیون رای داده شده است که در چند نقطه معینی انحصار داده شود باین کمپانی برای این است که در این چند نقطه این کمپانی باید يك مبلغ پولی در اینکار بگذارد و فردا که يك مبلغی باندازه سی چهل هزار تومان بگذارد که اسباب و لوازم آن را تهیه کند و همین که اینکار را کرد و انحصار نداشت فردا هر تاجری هنوز این کمپانی کاری نکرد طوری صنعت را اقدام می کند و بسا میشود که سرمایه ادهم از میان میرود و يك پولی داده يك مقداری آهن و لوازم خرید و آورده است باین جهت کمپانی تقاضا کرد که هفت سال باو اجازه انحصار داده شود و بعد از سه سال بدولت حقوق بدهد کمیسیون اینرا رد کرد و گفت که درین چند نقطه ایران دایر شود و فقط در این چند نقطه انحصار باو داده شود و حقوق دولت را هم در سال اول بدهد .

**ناصر الاسلام** - بنده با آقای میرزا اسدالله

خان موافقم و هیچ انحصار را تصویب نمی کنم برای اینکه باندازه که از این امتیاز بدولت فایده خواهد رسید بیشتر از آن ترقی تجارت ما سکت و وارد خواهد کرد .

**ارباب کیخسرو** - اولاً لازم است عرض کنم که عده برای مذاکرات و رای کافی است یاخیر .

**نایب رئیس** - برای مذاکره کافی است

**ارباب کیخسرو** - و تا اینا می خواستم از مخبر محترم سؤال کنم که این کمپانی نمونه برای کار خودشان ارائه داده اند یاخیر .

**نایب رئیس** - این مذاکره در کلیات این مطلب است خوبست از آن خارج شویم و به بینیم که این قابل توجه است و تصویب می شود یاخیر ( در

این وقت نایب رئیس چند نفر از نمایندگان را اجازه نطق داده گفتند بعد از یک مخالف (میرزا ابراهیمخان - بنده برای اینکه راجع به مخالفین باز بشود عرض می کنم تمام نقطه نظر آقای آقامیرزا اسدالله خان که این انحصار را رد کرده اند مبنی بر تولید یک رقابت صنعتی بود که در حقیقت از برای یک مملکتی که تازه می خواهد پا بدایره ترقی بگذارد لازم است وجهی هم بر طبق اظهار ایشان فریادها را بکنند ولی باید موضوع رقابت را اولاً پیدا کرده بعد از آن صحبت کرد در حقیقت نباید باین فرار داد انحصار گفت باید گفت اختصاص بلکه اگر ملاحظه بفرمائید اختصاص هم نباید گفت باید گفت این شخص می تواند اطمینان داشته باشد که کسی در این مدت روی دست او نمی آید تا اینکه انتخابات و خیالات خودش را که در نظر دارد اظهار کند و امروز بنده تصور می کنم هیچ رقابتی در داخله ایران نیست و بهتر از رقابت تجارت خارجه باشد که در واقع امروز اعظم رقیب تجارت خارجه ما است و در مقابل اینکه دولت باید در همچو موقعی مساعدت کند بایک نفری که بر میخیزد و یک اقدامی می کند تا بتواند رقابت پورزد دادن این اختصاص چندین اهمیتی ندارد آقای ارباب کیخسرو سؤال کردند که چه امتحاناتی این شخص داده است این است که مبلغ گزافی داده و ماشین آلات خریده و اسباب تهیه کرده و مهندس اجیر کرده است این نمونه است که نشان داده و بسامی شود که اشخاصی باشند که مقصودشان صابون سازی نیست بلکه برای این است که یک تجارت خارجه را بزمین بزنند و بنده گمان نمی کنم که این اختصاص هیچ ضرری بیاورد و با وجود هیچ ضرری که بمناسبات تجارته و حقوق تجارتی وارد نخواهد آورد و آن کسیکه میخواهد یک چنین اقدامی بکند و با جرئت قدم بزمین بگذارد و پول خرج می کند باید با او مساعدت بشود ما چه مساعدت خواهیم کرد دستی که نمیتوانیم بدهیم و از آن طرف هم نمیتوانیم بگیریم وزیر فوائد عامه چیزی از او بگیرد یا اینکه اگر ضرر کرد جبران آنرا بنماید ولی این مساعدت را نمیتوانیم بکنیم و گمان می کنم که هیچ ضرری هم ندارد که بگیریم پنج سال مدت اختصاص اینکار را بتو بدهیم که کسی نتواند رقابت کند در تاسیس این اساس که در این پنج سال امتحانات خود را و آنچه تجربیاتیکه لازم است بکند و اگر در این مدت نکرده و از عهده تو بر بماند این انحصار از تو برداشته خواهد شد و کسی هم مجبور نیست که هریض بنده را صدیق کند ولی اگر لازم میدانید از یک همچو شخصی که میخواهد سرمایه خود را فدای ترقی مملکت کند یک مساعدتی بشود.

**نایب رئیس** - اولاً آقایانی که نطق مفصل دارند تشریف بیاورند اینجا و اگر هم لازم میدانید آن لایحه چرم سازی هم خوانده شود ولی عده برای اخذ رأی کافی نیست و کلای خراسان تشریف بردند تلگرافخانه و بعضی از آقایان هم کسالت دارند لازم میدانید داخل مذاکرات شویم (اظهاری نشد) .

**وحیدالملک** - یکی از تاثیر تمدن عالییه و مقتضیات مملکت مشروطه رفع انحصارات تجارته است ترقی ترو و پیشرفت تجارت از آزادی و رقابت در تجارت است معنی باید در اینصورت این نکته مهم را از برای پیشرفت تجارت در مملکت خودش ملاحظه نماید و رقابت و آزادی تجارت را در نظر داشته باشد برعکس ما می بینیم و ابیح و امتیازات که بجلس می آید یکی از این نکته مهم که دوپست سیصد سال پیش از این تروتیون مستحضر بوده اند یکی صرف نظر می کنند و اینگونه ابیح را بجلس می آورند و رفته رفته انحصار احتکار میشود و عقیده بنده این است که یکی از چیزهاییکه حفظالصحه ما بسته بآن است همان استعمال صابون است و هم صابون همه آقایان میدانند که درست کردنش اینقدر مشکل نیست و در هر کتاب شیمی ابتدائی چند فورمول از برای اینکار مینویسند منتهی بعضی چیزها مینویسند که بکار بردن آنها در صابون سبب میشود درنگ صابون مختلف میشود یا اینکه چربیش زیاده تر میشود یا اینکه عطرش زیاده تر میشود و این یک کاری نیست که سرمایه زیادی لازم داشته باشد که محتاج بانحصار باشد و اگر فی الحقیقه باعث منفعت عمومی باشد میتواند دولت خودش در اینکارها اقدام نماید و خودش در دست بگیرد و همان طور که دولت فرانسه صنعت کبریت را درست دارد و ازین ممر یک مالیه کلی باو عاید میشود همین طور ممکن است (این مونوپول را ما درست بگیریم نه اینکه بیاییم اینرا بدیگری بدهیم و مملکت خودمانرا دوچار یک بدبختی کنیم اما از برای تشویق تجارت از برای حفظ اینکه یک کسی کاشف یک کاری است یکقوانین معین است که بموجب آن قوانین هر کس چیزی را کشف کرد میرود آنرا (رجستره) میکند ثبت میکند و کسی دیگر حق آن صنعت را ندارد همیشه طور اگر یکشخصی بکنوع صابون فوق العاده اختراع کرد که کسی دیگر نمیدانند میرود آنرا (رجستره) میکند ثبت میکند و کسی دیگر حق آن صنعت را ندارد و همین خودش اسباب تشویق میشود که شاید دیگری هم میرود یکقسم دیگری درست میکند و انحصار آن باو میرسد و یکشخصی ثالثی یکقسم دیگری درست میکند و باین واسطه هم از یکطرف دایره تجارت توسعه پیدا میکند و هم از طرف دیگر تجارت مملکت ترقی میکند و ام اطلاعات شخصی خود در باب صابون آنچه که بنده اطلاع دارم در همینجا صابون فرنگی خوب درست میکنند که هم عطرش زیاده تر است و هم اینکه از برای پوست دست بهتر است و همینکه چربی اش بیشتر است و صابون های پارسی خیلی خشک است و قالبی سه عیاسی هم میفرشند در صورتیکه از فرنگستان قالبی دو هزار خودم وارد میکردم و قتیکه دیدم باین قیمت در اینجا بهتر میشود صابون بهتر که از همین صابون شهری خریدم و اینطور که شما میخواهید انحصار بدهید بیک کمپانی این نوع صنایع که در طهران است موقوف و آنوقت منفعت بکارت تجارتی را منحصر بیک نفر میکنند بخیاال اینکه در آتیه یککده یک آبا عاید شما میشود یاخیره

**اسدالله میرزا** - بنده اولاً گمان می کردم بهتر این بود آقای وزیر فوائد عامه که آنمطلب راجع ایشان است تشریف می داشتند و حالاً که مطرح

شده و داخل این مذاکره شده ایم بعضی از آقایان بسختی ایراد می کنند باین لایحه که بنده اچارم عرض کنم ما اینکه بعضی از آقایان می فرمایند انحصار بر خلال ترتیب تروتی است و در هیچ جا معمول نبوده است بنده عرض می کنم در ممالک تروتی که یکی از آن جمله امریکاست هنوز انحصار در صنعت معمول است نمی گویم معایب ندارد معایب هم دارد ولیکن ممکن است بیک چیز رفع آنرا کرد مقصود کمیسیون از این تصویب فقط یک مسئله اساسی بود و آن این بود که سایر دول سعی می کنند در ترویج صنعت و ازدیاد رشته تجارت که آنچه از خارج بآنجا وارد می شود دو برابر آن از آنجا بخارج برود پس نقطه نظر کمیسیون این بوده است که صادرات و واردات مملکت لافل مساوی بشود و اگر یک وزیر تجارت کارکن می داشتیم اول کاریکه از وظایف او بود که می بایستی بکند این بود که طوری نمایند که آنچه از خارج در این مملکت وارد می شود دو برابر آن از اینجا بخارج برود و نظر کمیسیون در این مورد بر این بود که کاری بکنند از عایدات او کاسته نشود شما می گوئید و اگذارید بر رقابت آنوقت هر کس می آید و اقدامی می کند و باین واسطه ارزان خواهد شد و در قیمت ترقی فوق العاده نخواهد کرد بنده هم همین را قبول دارم ولی این مسئله در مملکتی است که از احتیاج بخارجه مستغنی باشد و آنقدر احتیاج بمال التجاره خارجه نداشته باشند و تمام تجارت بین خودشان باشد و آنهایی که سرمایه می گذارند بصدی سه و صدی دو قناعت نمایند شادان این مملکت چنانچه آقای میرزا ابراهیمخان فرمودند یک رقیب بزرگی دارید که آن مال التجاره خارجه است و کسی که می آید این کار را بکند نظر مهم او این است که یک کاری بکند به مال التجاره خارجه شکست وارد بیاورند حالا ببینید همچو شخص چقدر باید صرفه جوئی بکنند تا مال التجاره خارجه را بشکند و مال التجاره خودش را رواج بدهد پس از یک نقطه نظر عمده همین مسئله است که مال التجاره خارجه شما وقتی وارد شد و دید که در اینجا همین را می سازند و ارزانتر می دهند البته آن مال التجاره یابی شکند ببالطبع تنزل خواهد کرد و حتی المقدور هر چه ممکن است طرفین رقابت میکنند و این که آقای وحیدالملک فرمودند که اینجا صابونهای خوب می سازند و من دانه سه عیاسی می خرم و خیلی چرب و منظر خوب است و اگر این امتیاز را بدهند این طور صایع از بین می رود بنده عرض میکنم اگر این را توجه بفرمائید در این امتیاز نامه مخصوصاً قید شده است که این مانع نخواهد بود با ساختن این صابونها ولی اینکه یک کارخانه دیگری بیلوی اینکارخانه بسازند ممنوع باشد برای اینکه این مبتکر بیچاره باید اولاً یک مقدار زیادی سرمایه خود را صرف کند از برای اینکه شاید در یک وقتی چیزی باو عاید شود و یک نفعی هم بدولت برساند پس نقطه نظر کمیسیون فقط از این راه بود که بدولت پولی برسد بلکه مقصود او تساوی واردات و صادرات بود و ما می بینیم ممالک دیگر پول میدهند که مال التجاره مملکتشان گرایه حمر و نقلش مرتفع شده وارد مملکت دیگری

بشود و مال التجاره اش ترویج شود و صادراتش بر واردات زیادتی داشته باشد آقای وحیدالملک و سایر آقایان میگویند که در خارجه بلاطور است بلی آنطوریکه در مملکت فرانسه است خوب خوب است در اینجا معمولی شود ولی خوب است یک قدری هم تشریف بیاورند اینجا و مقتضیات اینجا را ببینند که این مردم سهولت نمی آید که صدی پنجاه بپرند در صورتیکه دیگری شاید صدی چهل و نه یا صدی چهل قناعت نماید و باین واسطه می بینم هرچه ازین اقدامات شده است نتیجه گرفته نشد است و می بینم که تجار شاهم هیچ اقدامی نکردند اند که صادرات شما اگر زیادتر از واردات نباشد تساوی نداشته باشد و هرچه صادرات دارید تمام چیزهای طبیعی است که در کارخانه نمی سازند بنده تمنا میکنم هرچه ممکن است سعی کنید که یک روزی صادرات شما بر واردات زیادتی داشته باشد و تشویق کنید از اشخاصیکه بخواهند صادرات شما را زیاد کنند و آن تشویق هم شاید همین باشد که بگویند دیگری در داخله مملکت حق ندارد رقابت کند بعضی ها عقیده شان این است که دولت دستی بدهد ولی عقیده کمیسیون این بود که بگویند تا چهار یا پنج سال شما که سرمایه خودتان را صرف میکنید میتوانید اطمینان داشته باشید و دیگری با شما در این مدت رقابت نخواهد کرد بلکه ایشانرا مستغنی کنید از این صابونها اینکه دانه پنجم از ازمایور می گیرند اینها که کمپانی این امتیاز را تقاضا کرد گفت من صابون تمام مملکت را میدهم ولی هر کس در هر ولایت صابون سازی ننماید کمیسیون از برای اینکه دست سایرین هم بسته نباشد چند مکان محدود را معین کرده است که در اینجاها ساختن این قسم صابون منحصر باین کمپانی باشد و بنده شخصا عقیده ام این است که اینقدر از مساعدت خیلی خوب است که با اینگونه اشخاص بشود و هیچ حاشم ضرر نمیخورد که مجلس در اینباب تاملی باشد .

(بعضی گفتند عهده برای مذاکره کافی نیست) **نایب رئیس** - چون عهده کافی نیست خوبست بقیه مذاکره در کلیات این مطلب بماند برای جلسه آتی که در آن جلسه مذاکره شده و رای گرفته شود [اگر بت تصویب کردند]

**حاجی آقا** - ما هر وقت میآئیم در مجلس همینکه یکی نیمساعت میگردد بعضی ها قبل از اینکه موضوع مذاکرات جلسه آتی گفته شود یا اینکه بعضی گفتن دستور جلسه آتی از مجلس بیرون میرند من عرض نمیکنم این ترتیب پارلمانی نیست و در عهده رئیس یا فائبان رئیس است که مراقبت داشته باشند و نگذارند احدی از نمایندگان قبل از انقضای مجلس تشریف ببرند

**نایب رئیس** - جلسه آتی روز پنجشنبه چهار ساعت بغروب و دستور آن از این قرار است بقیه مذاکره در کلیات امتیاز کارخانه صابون سازی بودجه مجلس مقدس - طرح آقای صدیق حضرت راجع بحراج رایورت کمیسیون بودجه راجع بقویم السلطنه ایضا رایورت بودجه راجع بفلامر ضاخان **آقا شیخ اسمعیل هشترونی** - بنده

می خواهم عرض کنم مسئله استقراض داخلی خیلی اهمیت دارد و مدتی است رایورت آن از کمیسیون داده شده خوبست جز دستور جلسه آتی منظور شود. **نایب رئیس** - فردا جلسه خصوصی در این مسئله مذاکره خواهد شد .

**اسدالله میرزا** - فردا موقع انعقاد کمیسیون ها است دیگر جلسه خصوصی نمیشود

**نایب رئیس** - در اینصورت میماند از برای جلسه آتی مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد .

**جلسه ۹۱**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه دویم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت ونیم قبل از غروب بریاست آقای ممتازالدوله نایب رئیس تشکیل شد صورت جلسه روز سه شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی را آقای معاضدالملک قرائت نمود .

**نایب رئیس** - اعتراضی در صورت مجلس است؟ **متمین السلطنه** - اعتراض بزرگ این است که چهار ساعت بغروب مانده اعلان میشود دو ساعت بغروب حاضر میشویم .

**نایب رئیس** - این اعتراض نیست آقایان در موقعیکه اعلان میشود باید خودرا مکلف بدانند که باید حاضر بشوند .

**ادیب التجار** - غرض من اینست که همانطوری که چند روز در آن اطاق اسامی غائبین در صورت مجلس نوشته میشد حالا هم خوب است بفرمائید بنویسند در روزنامهجات هم بفرمائید درج کنند که حاضر و غائب معلوم باشد (گفتند صحیح است) .

**مؤتمن الملک** - بنده عرض میکنم خوبست در این خصوص یک قراری بگذاریم اینکه هر وقت یک مذاکره در این باب بشود بگوئیم خیلی خوبست نمیشود اکتفا گردد .

**نایب رئیس** - درجه مسئله . **مؤتمن الملک** - همین مسئله حاضر و غائب باید یک ترتیبی برای آن داده شود که هرروزه در محظورات نباشیم .

**نایب رئیس** - این مسئله سابقه دارد خاطر آقایان مسبوق است که در سابق صحبت شد و چندروز هم در صورت مجلس اسامی حاضرین و غائبین نوشته میشد بعد بعضی از آقایان اظهار داشتند که هیچ چیز در نظامنامه داخلی مجلس نیست حالا باز اگر صلاح است که نوشته شود ولی طوری نباشد که ثانیاً آقایان اظهار فرمایند که مخالف نظامنامه داخلی است .

**مؤتمن الملک** - صحیح است ولی باید رعایت نظامنامه داخلی هم بشود که در موقعیکه اعلام میشود حاضر باشند .

**نایب رئیس** - حالا ممکن است اگر لازم می دانید پیشنهادی بشود در صورتیکه تصویب نمائید یک ماده بر نظامنامه داخلی در این باب افزوده شود که تکلیف من بعد معین باشد .

**متمین السلطنه** - چه ضرر دارد بنویسند داخل مذاکره آن بشویم . **نایب رئیس** - حالا نمیشود در این مطلب

بدون ترتیب داخل مذاکره شد اگر پیشنهادی بشود می رود بکمیسیون و رایورت آن بمجلس آمد، مطرح مذاکره میشود .

رایورت کمیسیون استقراضی است خواننده می شود .

(رایورت کمیسیون استقراضی را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت نمود) .

**نایب رئیس** - در کلیات این ابتداء مذاکره می شود .

**ارباب کیخسرو** - چون در این جا نوشته شده است که کمیسیون گرفتن اعانه را اصلاح ندانست عقیده بنده هم همین است ولی عرض میکنم تقریباً بازده فقره وجه به اسم اعانه با اداره مباشرت رسیده است از قراریکه بنده اطلاع دارم مابقی هم از گوشه و کنار حاضر است و نمی دانند بکجا بدهند خوب است کمیسیون مخصوص را برای اینکار معین نمائید که مرکز باشد و وجوه متفرقه نیز در آنجا جمع شود تا تکلیف کلی معین شود و این وجهی که با اداره مباشرت رسیده است علی العجلاله بیهوده گذارده نمی شود و عقیده بنده این است که خوب بود وزارت مالیه درین موقع تشریف میداشتند که با حضور ایشان این مطلب مطرح میشد بعضی مطالب که بنظر ایشان می رسید اظهار میداشتند .

**نایب رئیس** - وزیر مالیه الان تشریف خواهند آورد .

**شیخیانی** - بنده اساساً این استقراض را تصویب می نمایم و چنانچه خانه خود را حاضرم بفروشم و وجه آنرا بدهم و اطلاع دارم که جمع کثیری با کمال میل و شوق حاضرند حتی زنها حاضر شده اند که زینت های خود را فروخته بدهند ولی بدو آبرای اینکه بمردم حالی کرده باشیم که این وجه برای رفع احتیاج شما گرفته می شود و موجبات اطمینانی برای آنها فراهم کنیم چون مسئله شرکت عمومی و بانک ملی اذهان مردم را معشوش کرده است خوبست اولاً از هیئت وزراء بخواهیم که امر آنها را تصفیه کرده و اعلان کنند به هر کس با هایت شوق و طیب خاطر حاضر خواهد بود که آنچه برای او ممکن است در کمال اطمینان بدهد و اینرا نه این است که فقط از خانواده خودم بگیرم بلکه از ولایات چه کتی وجه تنگرافی خبر دارم که بعد از تصفیه این کاری که عرض کردم مردم با کمال شوق حاضرند .

**نایب رئیس** - خوبست اولاً در اساس این رایورت صحبت شود که می توانم رای بگیرم

**محمد هاشم میرزا** - بنده راجع باعانه عرض داشتم می خواستم عرض کنم آنکه کمیسیون اعانه را تصویب نکرده است مقصود اینداین باشد که اعانه گرفته شود والا اگر کسی خودش بخواهد اعانه بدهد کمیسیون آن را رای نداده است که نگیرند .

**حاجی شیخیانی** - شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که اگر خودشان بخواهند اعانه بدهند قبول خواهیم کرد بنده عرض می کنم که باید قبول کرد مثل اینکه در ولایات جمعی حاضر شدند